

زندگینامه‌ی

لودویگ وان بتهوون

ترجمه و نگارش پرویز منصوری

«... باین جوان توجه کنید. روزی خواهد رسید که دنیا از او صحبت خواهد کرد...»
- مولار -

شوشکا، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۱۹۷۰ سالی است که محافل موسیقی آنرا سال بتهوون مینامند.
درست دو قرن پیش - ۱۶ دسامبر ۱۷۷۰ - بتهوون در شهر «بن»
(Bonn) بدنیآ آمد و در ۲۶ مارس ۱۸۲۷ چشم از جهان فرو بست.
بتهوون، آنطور که تاریخ بتوصیفش میبرداند: شکسپیر موسیقی،
هماره در این آرزو بود که روان آدمیان را، و رای آنروا بطی که از
دون طبیعی‌شان بر میخیزد، بهم پیوندد. او بیاری لطیف‌ترین
تمهیدات ترکیب اصوات، فریادهای انقلابی بر میکشید و جهانیان
را به گرد آئی زیر پرچم دوستی و شادی فرامیخواند. و هم از او بود
که سیر روماتیسم در موسیقی نقطه آغازی یافت.

بتهوون ثمرهٔ بیش از یک نسل موسیقیدان حرفه‌ای بود که اگرچه افراد آن در کار خود ناموفق نبودند اما گمنام ماندند. پدر و پدر بزرگش بعنوان خواننده و نوازنده در خدمت فرمانروای شهر بین بکار موسیقی اشتغال داشتند و خود او نیز در اوائل زندگی، یعنی تا ۱۷ سالگی، زمانی که بوین فرستاده شد، در این دستگاه نوا زندگی میکرد.

در سالهای کودکی، تقریباً به اجبار پدرش، نواختن پیانو و سپس ویولن را فراگرفت. پدر که به استعداد خارق العاده او پی برده بود، خواست این سرمایه را هر چه زودتر و گران‌تر به بازار بیع و شری عرضه کند، تا بخیال خود در قبال عواید سرشار آن دلی از عزای باده در آورد. باین ترتیب او را در سن ۸ سالگی بعنوان یک نابغه شش ساله ۱ - بزور بروی صحنه برد، تا بعدها بخاطر تأمین برنامه‌های باده‌گساری او سرچشمه‌ی فراحی باشد. یکبار دیگر در ۱۳ سالگی - در حالیکه ۱۱ ساله معرفی شده بود - بعنوان «موزار کوچک» کنسرت داد.

مقایسه او با «ولفگانگ آمادئوس موزار»، موسیقیدانی که در آن ایام شهرتی عالمگیر یافته بود، عملی بسیار غیر منصفانه است. زیرا اگرچه موزار در زندگی خویش در عسرت زیست و زندگی اش در دست تنگی کامل پایان گرفت، اما دست کم در کودکی، در ناز و نعمت بسر میبرد و در خشنودگی سعادت، بخش ابتدائی زندگی او را روشن میکرد. در حالیکه بتهوون زندگی را بسختی آغاز کرد و هر چه میگذشت هشکلی جدید بر مشکلاتش میافزود. استعداد عجیب او بدون آنکه پدرش شناخته شود بمطرف تداوم شهرت و فراخ کردن منبع درآمد پدر میرسید. در ۱۱ سالگی، در حین یک مسافرت هنری، تاهلند، برایش توسط پدر معلمی بنام «کریستیان گوتلوب ننهفه» (Christian Gottlob Neefe) دست و پا کردند. بسال ۱۷۸۳ مجلهٔ موسیقی هامبورگ دربارهٔ او چنین نوشت.

د. ل. و. بتهوون... این بچه ۱۱ ساله (هنوز سن او را بزور تبلیغ و پرجار و جنجال پدرش دو سال کمتر بحساب می‌آوردند!) مشحون از استعدادی خارق العاده است. او پیانورا کامل و با جرأت مینوازد و

«قادر است به سولت نوت خوانی کند. در باره‌ی او باید گفت که: قسمت
«اعظم - ۴۸» پرلود و فوک ژان سباستیان باخ» را که آقای نه فیه
«در اختیار او گذارده است، بخوبی مینوازد... در حال حاضر او در
«رشته کمپوزیسیون کار میکند و از آثار فعلی او دانه قطعه واریاسیون
«بر روی مارش از ما نهام» برای پیانو جالبست. این نابغه‌ی جوان،
«بر اثر استعداد خارق العاده‌اش بوسی گرفته که با آن میتواند
«بمسافرت‌های هنری برود. بتهوون چنانچه با همین سرعت پیشرفت
«کند، در آینده موزار دومی خواهد شد.»

چند سال بعد، بتهوون جوان بیاری هنر خود به خانواده‌ای از نجبای بن
بنام «بروینینگ» (Breuning) وارد شد و بعنوان یکی از اعضای فامیل بشمار
آمد، رفاقت او با استفان بروینینگ جوان - صرف نظر از برخی پارگی‌ها -
تا آخر عمر ادامه یافت. خانواده دیگری بنام «والدشتاین» (Waldstein)
نیز بحمايت بتهوون جوان برخاسته بود و هم‌ا زین فامیل بود که «کنت فردیناند
ارنست والدشتاین» (Graf Ferdinand Ernst Waldstein) او را بسال
۱۷۸۷ - بخاطر نشان دادن استعدادش به موزار به وین فرستاد. موزار در جلسه‌ای
بتهوون را دید و شنید. در این جلسه «امتحان» اگر چه استاد را برخی نا -
خشنودیه‌ها حاصل گشت اما بهر ترتیب شاگرد تأثیر عمیقی بر او بجای گذاشت.
میکویند موزار گفته بود: «باین جوان توجه کنید، روزی خواهد رسید که
دنیا از او صحبت خواهد کرد.» آیا موزار واقعاً اینچنین گفته است؟ در آن
تردید است. با اینحال بتهوون نزد استاد چند درسی گرفت که نتوانست آنرا
ادامه دهد، زیرا شنید که مادرش - تنها حامی مهربان او در خانواده‌اش - ناگهان
مريض شده و به بستر مرگ افتاده است.

بسال ۱۷۹۲ بتهوون بار دیگر به وین رهسپار شد. اینبار نیز «گراف
والدشتاین» بود که حمایت بتهوون را در این سفر بگردن گرفت. بتهوون پس
از آن دیگر تا آخر عمر شهر محل تولد خود را ندید و در شهر وین اقامت دائمی
گزیید.

در این دوران است که بتهوون ۲۲ ساله نزدهایدن بآموختن پرداخت ،
 تدریس هایدن ، بتهوون جوان راقانع نمینمود ، با اینحال جلسات درس تازمانی
 که هایدن بسفر لندن رفت ، ادامه یافت . پس از مراجعت استاد این جلسات
 دیگر تکرار نشد . بتهوون پس از آن مدتی کوتاه از «یوهان گئورگ آلبرشتزبرگر»
 (Johann Georg Albrechtsberger) درس گرفت وچندی نیز با «آنتونیو
 سالییری» (Antonio Salieri) بر روی موسیقی آوازی کار کرد . اما او قسمت
 اعظم آموخته‌های خود را از سرچشمه لایزال موسیقی وین اندوخته است . در
 سالهای اول اقامتش در وین ، به برگزاری کنسرت مشغول شد . در شهر وین ،
 او را بنام مصنف « نه قطعه کنسرتو برای پیانو فورته » و اجراکننده آن ها
 شناختند . بتهوون در اینجا حامیان جدیدی یافت . فرماندار «شارل لیشنوسکی»
 که اثر شماره یک (op . 1) و شماره ۱۳ و ۲۸ و نیز سفونی دوم باوهدیده شد و نیز

«موریس لیشنوسکی» که سونات پیانو
 اثر ۹۰ بنام اوست ، از حامیان این
 زمان او هستند .



دوران وین ، در چند ساله اولیه
 آن ، خوشترین دوران زندگی
 بتهوون بود . او مقرری نسبة کافی
 داشت و آثار او بسهولت در سالنهای
 فرمانداران به اجرا در میآمد . با
 اینحال او دارای آن چنان روح
 بزرگی بود که تحت تأثیر قرار نگرفت
 و هنوز بزبان موسیقی ، علیه دون
 طبیعی ها ، دشمنی ها و زور گوئیها
 فریاد انقلابی بر میکشید .

بتهوون در سال ۱۸۰۵
 اپرای «فیدلیو» را به «تاتروین»
 (Theater an der wien) سپرد ،

در راه اجرای این اثر اشکالات فراوانی ایجاد شد، اختلاف نظر مدیر تئاتر او - حتی در مورد بر گماردن این یا آن نوازنده - بعضویت ارکستر - سبب شد که بتهوون اوورتور اپرا را عوض کند . در آخرین لحظه اوورتور حاضر شد ولی برای تمرین وقت کافی نبود ، از سوی دیگر سر بازان ناپلئون وین را تسخیر کرده بودند . در سالن تئاتر بیش از وینی ها، افسران ناپلئون دیده میشدند . پریشانی اوضاع بتهوون را عصبانی میکرد و بهر حال اجرای فیدلیو عملی نشد ، تا بالاخره یکسال بعد با تغییراتی این اپرا بروی صحنه آمد . اگرچه زیاد بروی صحنه نماند، پس از هشت سال، بخواهش مدیر تئاتر باز با اوورتور جدیدی - برای بار چهارم - با اجرا درآمد - و در سال ۱۸۲۲ اجرای آن تجدید شد .

بسال ۱۸۰۸ سنفونیه‌های پنجم و ششم برای اجرا آماده شدند . در همان سال بتهوون دعوتی از پادشاه ، «ژروم بوناپارت» ، از شهر کاسل دریافت نمود . پادشاه با وصالیانه ۴۰۰۰ فلورین پیشنهاد میکرد . اما بتهوون که دروین بشهرت رسیده و حامیان زیادی یافته بود این دعوت را نپذیرفت و در وین ماند .

ازین پس ، محیط زندگی بتهوون بر اعصابش تحمیل میشد ، اوضاع نا بسامان سیاسی و شروع جنگ فضای نامطمئنی دور و بر او ایجاد کرده بود . در سال ۱۸۱۳ ، با تشکیل کنگره‌ای از نمایندگان اتریش ، روسیه و فرانسه که بسبب شکست ناپلئون در وین گرد آمده بودند ، در کنسرت‌هایی از آثار بتهوون موفقیت او را تیریک گفتند . زندگی او مبرفت که آرامش خود را بدست آورد اما با فوت حامی صمیمی اش ، «فرماندار لیشنوسکی» ، بتهوون یکی از بزرگترین تکیه گاههایش را از دست داد . چند سالی را بتهوون در سکوت گذراند . او مجبور بود اینبار بمسائل داخلی خود - اختلاف بازن برادرش و شکایت از او بر اساس وصیت نامه‌ای که از کارل ، برادرش بجای مانده بود ، پردازد . با این حال او - فقط پس از مدت کوتاهی سکوت در فاصله سالهای ۱۸۱۸-۱۸۱۵ بخلق آثار بزرگی دست یازید . در سالهای بعد او شماره سفونی‌های خود را - که تا اینزمان به هفتم رسیده بودند - آنها را بالابرد ، و در لابلای تصنیف این دو ، تعدادی

از سوناتاها و کوآرتتہای خود را تصنیف کرد .
در پایان مقال فہرست کاملی از آثار اورا میاوریم :

آثار دراماتیک

اپرا : فیدلیو : ۱۸۰۵ دروین

موسیقی : اگمونت ؛ «خرا بہہای آتن» ؛ شاہ استفان ، تقدیس بنا

آثار کورال

مذہبی : ۲ مس : دو ماژور و رماژور (میساسولم نیس) ؛ یک اوراتوریو

غیر مذہبی : ۲ کانتات : فانتزی کر (op . 80) ، لحظہ درخشان ؛ دریای

آرام و سفر خوش .

موسیقی سمفونیک

۹ سمفونی : کارہای ۲۱ ، ۳۶ ، ۵۵ ، ۶۰ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۹۲ ،

۹۳ و ۱۲۵

موسیقی بالہ : مخلوقات پرومیتئوس ؛ فتح ولینکتن

اورتور : سہ عدد : لئونور ؛ فیدلیو (در می ماژور) ؛ کوریولان ،

اگمونت ، جشن نام امپراطور فرانس دوم .

آثار ارکسترال : ۱۲ رقص آلمانی ؛ ۱۲ منوئہ ؛ ۱۲ رقص روستائی .

کنسرتو : ۵ کنسرتو پیانو (بترتیب : دو ماژور ؛ سی بمل ماژور ؛ دو مینور ؛

سل ماژور ؛ می بمل ماژور) ؛ کنسرتو ویولن (رماژور) ، ۲ رومانس برای ویولن

وارکستر ؛ تریپل کنسرتو (کار ۵۶) .

موسیقی مجلسی

زہی : ۲ کویننت ؛ فوگہ برای کویننت زہی دررماژور ؛ فوگہ بزرگ

برای کوآرتت زہی درسی بمل ماژور ؛ ۱۶ کوآرتت ؛ ۵ تریو .

پیانو : ۸ تریوی با پیانو ؛ ۱۰ سونات ویولن ؛ ۵ سونات ویولنسل ؛

واریاسیون برای ویولنسل و پیانو .

مسی : ۲ اکت ، سپتت برای ویولن ، ویولا ، ویولنسل ، کنترباس ،
کلارینت ، کر و فاگوت ؛ سکتت برای دوکلارینت ، ۲ کر و ۲ فاگوت ؛
۱ سکستت برای ۲ ویولن ، ویولا ، ویولنسل و ۲ کر ؛ کوینتت برای پیانو ،
هوبوا ، کلارینت ، کر و فاگوت ؛ تریو برای پیانو ، کلارینت و ویولنسل ؛
تریو برای ۲ هوبوا و کر آنکله ؛ سونات برای کر و پیانو ؛ واریاسیون برای
فلوت و پیانو .

کارهای پیانو

دودستی : ۳۲ سونات پیانو ؛ ۳ سونات بنام فرمانداران ؛ ۲۱
واریاسیون ؛ قطعات زیادی بفرم « روندو » ؛ « باگاتل » ؛ « منوئه » ؛ رقص
فولکلوریک ؛ فانتزی و پولونز .
چهاردستی : ۱ سونات و قطعات کوچک مختلف دیگر .

کارهای آوازی

۶۶ لید ؛ مجموعه ترانه بنام « به معشوق دور دست » ، « آه پرفیدو »
(Ah perfido) ، قطعه‌ای برای سوپرانو و ارکستر ؛ « سه صدائی » (Terzet)
برای سوپرانو ، تنور ، باس با همراهی ارکستر ؛ چند قطعه آریا و کانسرتو ،
هفت دفتر : مجموعه لیدهای انگلیسی ، اسکاتلندی ، ایرلندی و والیزی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی